

ریخت‌شناسی فضاهای شهری با اعمال اصول پرسپکتیو

مطالعه موردی: میدان شاه و میدان امیرچقماق در یزد

وحید وحدت‌زاد

کلیدواژگان: پرسپکتیو، فضای شهری، میدان امیرچقماق، میدان شاه، یزد.

چکیده

میدان امیرچقماق و میدان شاه و راسته بازار بین آنها را در یزد فضای شهری مهمی است که در دوره پهلوی دچار تغییراتی بنیادین شد، به طوری که امکان بازشناسی وضعیت پیشین آن‌ها دشوار است. این مطالعه برای کشف ماهیت شکلی و به تبع آن تاریخی این فضاهای شهری انجام شده است. در این پژوهش روشی معرفی می‌کنیم تا با بهره‌گیری از هندسه مناظر و مرابا بتوان پلان و نمای فضاها را از روی عکس آن‌ها حاصل کرد. بدین ترتیب چند سند تصویری به‌جامانده از وضعیت پیشین میدان‌ها را معرفی و اصالت‌شان را بررسی می‌کنیم، سپس تصویر منتخبی را با اصول معرفی شده کامل می‌کنیم. تصویر کامل‌شده مطابق با این اسلوب به تولید پلان و نمای فضاها می‌انجامد که خود زمینه مطالعات تاریخی میدان‌های مورد نظر را فراهم می‌آورد.

این مطالعات از حیث نتیجه، سوای دست‌یازیدن به وضعیت شکلی مهم‌ترین فضاهای شهری ایران — که سال‌ها محل بحث و مناقشه

محققان بوده — و روشن کردن واقعیت‌هایی از مراحل توسعه آن در دوران پهلوی اول، روش نوینی در برداشت پلان و نماها از تصاویر سه‌بعدی عرضه می‌کند.

مقدمه

محمود توسلی هرگاه به فضاهای شهری اشاره می‌کند غمی از فضاهای بی‌ارزش امروزی و دردی از کم‌اهمیت‌تر بودن فضاهای عمومی گذشته به نسبت فضاهای خصوصی در کلامش حس می‌شود. اما آنچه در آثار وی حکایت از دردی فزون‌تر دارد، تخریب فضاهای ارزشمند شهری در دوران معاصر است. توسلی هرگاه در مقام پاسخ به ادعای متخصصان غربی برمی‌آید که برای فضاهای شهری غرب هم‌اوردی در معماری شرق وجود ندارد، با افسوس از انهدام «غنی‌ترین مجموعه فضاهای شهری در ایران» یاد می‌کند؛ به‌ویژه مجموعه میدان شاه و میدان امیرچقماق و راسته‌بازار بین این دو^۱.

۱. محمود توسلی، اصول و روش های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران، ص ۴۶.

مطلع این بخش را با نام محمود توسلی آغاز کردم، نه فقط برای اینکه ادای احترامی به اُستاد وارسته‌ام کرده باشم، بلکه بدین علت که وی آغازگر تحلیل‌های ریخت‌شناسانه از فضاهای شهری ایران است و این مقاله نیز جز ادامهٔ مسیر او در روشن کردن ابعاد ناپیدای این فضای شهری غنی ایرانی نیست.

تصاویری که در اینجا آمده، نقاط ابهام و علامت سؤال‌هایی است به‌جای‌مانده از حاصل زحمات محمود توسلی که به‌واقع نقطهٔ عزیمت این مقاله است. روش دستیابی به پاسخ این سؤالات بهره‌گیری از اصول هندسهٔ مناظر و مرایا در اسناد تصویری کهن باقیمانده از این آثار است.

میدان امیرچقماق

الف) شکل میدان امیرچقماق

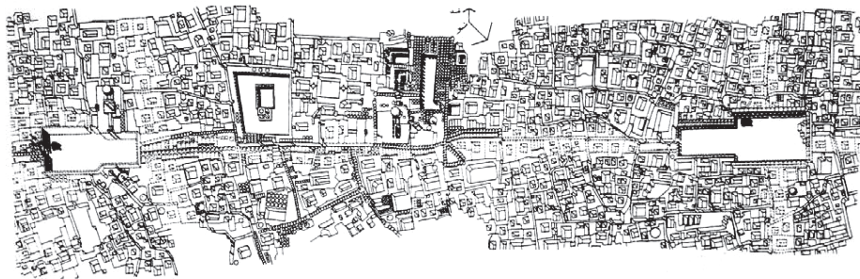
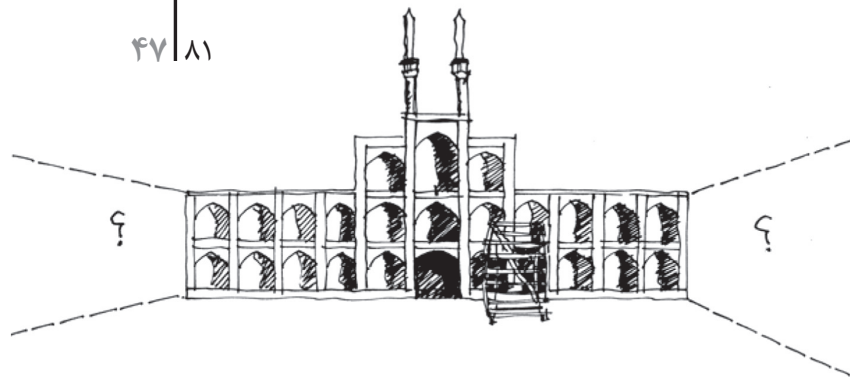
هدف این پژوهش درک شکل‌شناسانهٔ این میدان در اواخر قرن سیزدهم یعنی پیش از تحولات رضاخانی است. سند پایهٔ ما در این تحقیق عکسی است از نیپر مالکولم که، به تعبیر خودش «میدان بزرگ شهر را در روز عزای بزرگ شیعه» نشان می‌دهد.

بسیاری از کارشناسان در اینکه عکس مذکور از میدان امیرچقماق گرفته شده است، تردید دارند. اما در مقایسهٔ تطبیقی با عکسی دیگر از همان زاویه، با بیش از پنج شباهت عمده، شبه‌های در این مورد باقی نمی‌ماند. با توجه به تصویر فوق می‌توان اطمینان حاصل کرد که تصاویر بعد نیز، حتی اگر در همان روز و مناسبت گرفته نشده‌باشد، بی‌تردید میدان امیر چقماق را نشان می‌دهد. اکنون کاری که باید صورت بگیرد، استحصال پلان فضایی است که پرسپکتیو آن را در «ت ۶» می‌توان دید. عکس این کار، یعنی ترسیم پرسپکتیو از روی پلان، امری رایج است که قدمتش به دوران رنسانس می‌رسد. در اینجا اصول به دست آوردن پلان از روی پرسپکتیو مطابق با «ت ۸» عنوان می‌شود:

۱. تعیین نوع پرسپکتیو. در تصویری که تمرکز ما بر آن است، زاویهٔ نگاه ناظر کاملاً موازی افق نیست و عکاس سر دوربین را تا حدی به پایین متمایل کرده

پرسش‌های تحقیق

آیا می‌توان از عکس‌های تاریخی برای ترسیم نقشه‌های دقیق دو بعدی فضاهای شهری استفاده کرد؟ اگر پاسخ مثبت است، روش آن چگونه است؟



است. البته با اغماض، خطوط قائم تصویر را موازی و بدین ترتیب پرسپکتیو را یک نقطه‌ای^۲ تلقی می‌کنیم.

۲. به دست آوردن نقطهٔ گریز^۳ از تلاقی خطوط افقی عمود بر صفحهٔ تصویر.

۳. ترسیم خط افق^۴ از نقطهٔ گریز و خط قائم بر آن.

۴. کامل کردن بخش‌هایی از پرسپکتیو در خارج از کادر (مشخص‌شده با خط نقطه):

الف) یک صفا از «ت ۷» که در سمت راست تصویر اضافه شده، به علت موازی بودن با صفحهٔ تصویر، با قاعدهٔ تناسب به شکل منتقل شده‌است.

ب) برای ترسیم صفا‌های سمت چپ، تصویر خط کف، خط آسمان و خط طبقهٔ صفا را در راستای خود (خلاف جهت نقطهٔ گریز) امتداد می‌دهیم.

ج) خط قطر مربوط به دو صفأ اول را تا تلاقی با خط قائم امتداد می‌دهیم. نقطهٔ α حاصل از این برخورد نقطهٔ گریز اقطار هر دو صفا خواهد بود.

د) با توجه به تعداد صفا‌های مشخص‌شده در تصویر ۷ قطرها را تصویر می‌کنیم و نقاط D و E و F را به دست می‌آوریم.

هـ) اگر از این نقاط خطی قائم رسم کنیم، چنانکه خط کف صفا را در نقاط G و H و ا قطع کند، ساختار کلی صفاها به دست می‌آید.

و) با توجه به سایهٔ صفاها در روی زمین و تغییر شکل آن در نقاط L و K و M می‌توان پی برد که خط آسمان صفاها در این نقطه تغییر می‌کند. با توجه به جهت سایه، که از تصاویر آدم‌های موجود در عکس و نقطهٔ β به دست می‌آید، به نظر می‌رسد که راستای تابش موازی صفحهٔ تصویر است. در نتیجه استنتاجات بعدی نیز مشمول پیچیدگی‌های ترسیم سایه‌های مایل نمی‌شود. اکنون به موازات جهت تابش، نقطه‌چین‌هایی از نقاط L و J و ترسیم می‌کنیم تا خط NVP را در نقاط F و Q قطع کند.

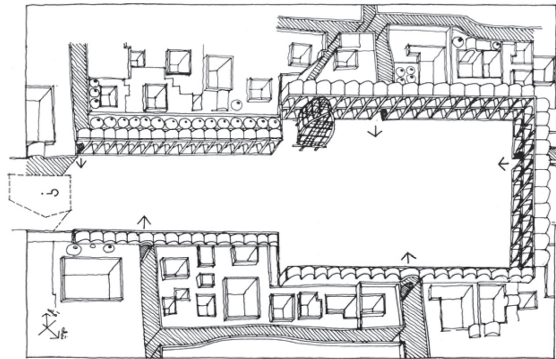
ت ۱. (بالا) وضعیت نامعلوم بدنه‌های میدان امیرچقماق، مأخذ: محمود توسلی، اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران، ص ۳۴.
ت ۲. (پایین) وضعیت شماتیک میدان امیرچقماق و میدان شاه و بازار حد فاصل آن، مأخذ: محمود توسلی، ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران، ص ۴۶.

ز) از نقاط F و Q خطوطی قائم رسم می‌کنیم. اگر از نقاط K و M به موازات زاویهٔ تابش نقطه‌چین‌هایی ترسیم کنیم، خطوط قائم را در نقاط O و P قطع خواهند کرد. بدین ترتیب ساختار سردر کاروانسرا، که امروزه اثری از آن باقی نمانده، مشخص می‌شود. فرد ریچاردز از داخل کاروانسرا برآمدگی این سردر و علمک روی آن را، که در سایهٔ تصویر ۶ نیز مشخص است، تصویر کرده است.

۵. اینک نوبت به ترسیم پلان می‌رسد. بدین منظور باید صفحهٔ تصویر به گونه‌ای تعیین شود که با مقیاس ترسیم پلان مطابقت کند. لاجرم لازم است به اندازهٔ یکی از عناصر تصویر واقف باشیم. سوای اندازهٔ حدودی قد انسان‌ها در تصویر، می‌توان به اندازهٔ سردر مسجد امیرچقماق، معادل ۱۱/۴۰ متر،

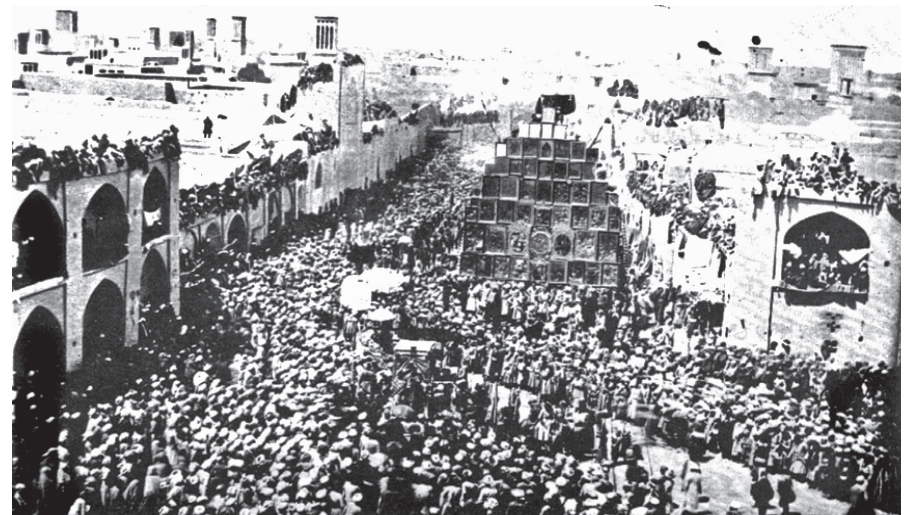
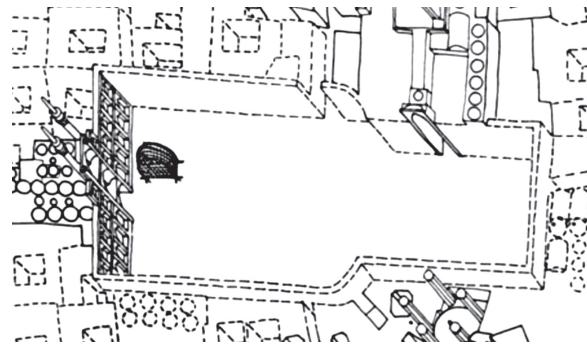
2. single point perspective
3. vanishing point
4. horizon line

ت ۳. (چپ) تصور مهندس توسلی از وضعیت اولیه میدان شاه و میدان امیرچقماق، مأخذ: ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران، اصول و روش های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران



5. ground line
6. ground paper
7. station point

ت ۴. (پایین) میدان بزرگ شهر در روز عزای شیعه، مأخذ: مالکولم ۱۹۰۸



رجوع کرد. برای ترسیم پلان به مقیاس $1/500$ باید در امتداد خط کف و خط آسمان سردر تا نقطه گریز جایی را پیدا کرد که فاصله قائم بین دو خط $2/3$ سانتیمتر باشد. خط RS واجد این ویژگی است. اگر از نقطه R خطی به موازات خط افق ترسیم کنیم، خط زمین^۵ (محل تلاقی صفحه تصویر با صفحه زمین) به دست می آید.

۶. نقطه دید^۶ را به طور دلخواه در امتداد خط قائم با نام SP تعیین می کنیم.

۷. از نقطه R خطی قائم ترسیم می کنیم. این خط، در پلان، بدنه سردر مسجد و امتدادش را مشخص می کند.

۸. با توجه به اینکه عکاس در صفا میانی یکی از طبقات تکیه حضور داشته، از روی نقشه های وضع موجود در مقیاس $1/500$ فاصله بین دو سردر زمستانه و تابستانه مسجد امیرچقماق را روی خط فوق الذکر در نقاط T و U علامت می زنیم.

۹. خطوط قائم دو طرف سردرها را با خطچین به پایین امتداد می دهیم.

۱۰. از اتصال نقطه دید به نقاط T و U خط چینی ترسیم می کنیم و چنان امتداد می دهیم تا دو خط فوق را در نقاط V و W قطع کند.

۱۱. صفحه تصویر بر خط VW منطبق است. آن را امتداد می دهیم و با PP و GL مشخص می کنیم.

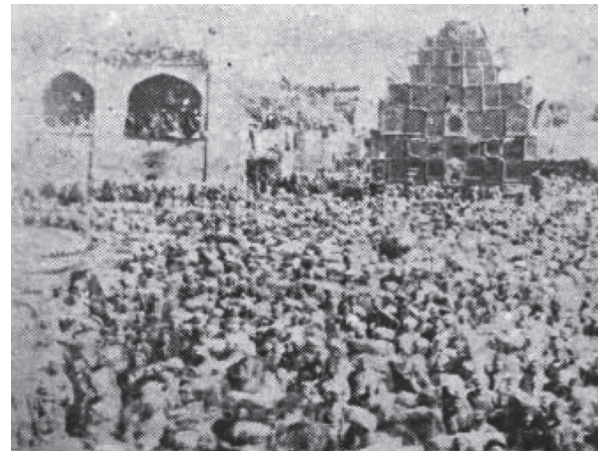
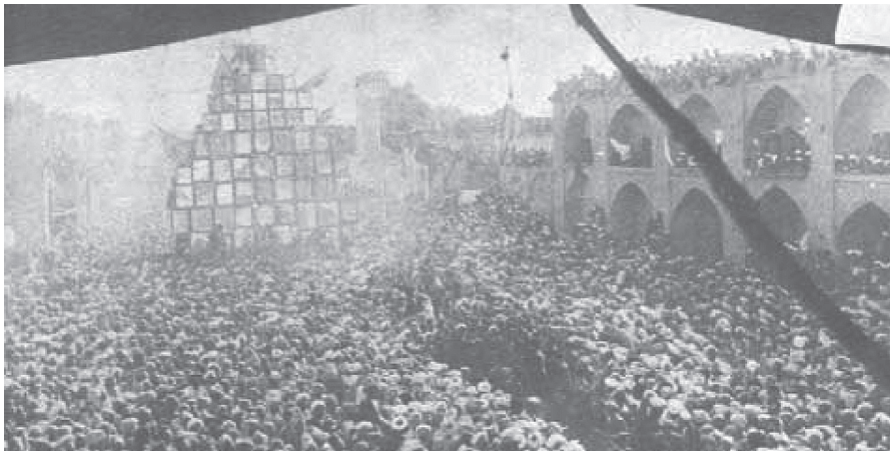
۱۲. اینک با در اختیار داشتن نقطه دید و صفحه تصویر کافی است نقاط را از پرسپکتیو به صفحه تصویر انتقال دهیم و با تکرار مراحل ۷ و ۹ و ۱۰ پلان را کامل کنیم «ت ۱۲».

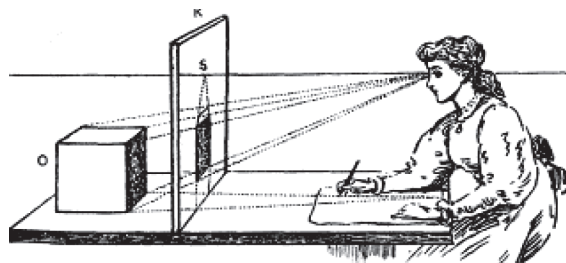
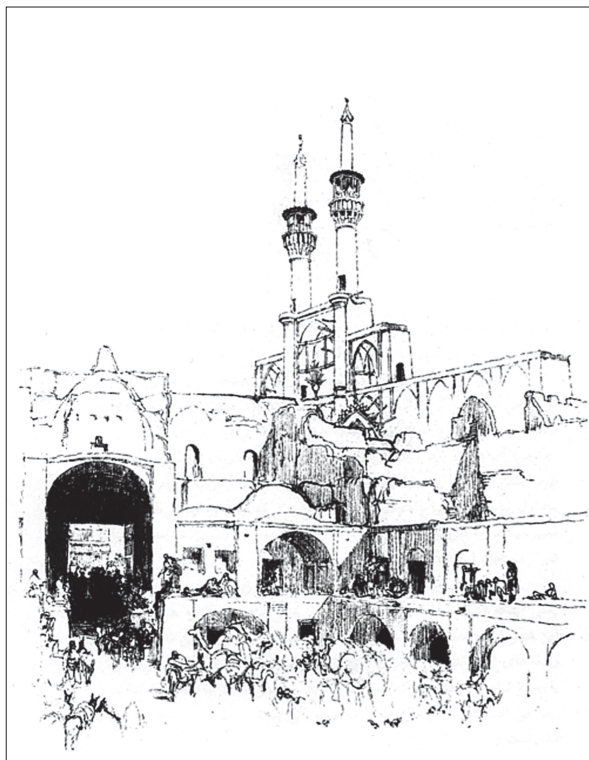
۱۳. برای ترسیم نمای صفاها نیز می توان روش زیر را پی گرفت:

الف) از محل تلاقی خط قائم و صفحه تصویر در پلان (نقطه O) شعاعی به اندازه فاصله ناظر از صفحه ترسیم می کنیم تا صفحه تصویر را در نقطه A قطع کند.



ت ۶ (راست) میدان امیرچقماق،
مأخذ: موزه وزیر یزد
ت ۷ (پایین، راست) میدان امیر
چقماق (گردش دوربین به راست)
ت ۸ (پایین، چپ) میدان
امیرچقماق (گردش دوربین به
چپ)، مأخذ: یزدنامه





ب) این نقطه را به صورت قائم به خط افق تصویر می‌کنیم تا نقطه فاصله در D به دست آید. این نقطه نقطه گریز تمام خطوطی است که با صفحه تصویر زاویه ۴۵ درجه می‌سازند «ت ۱۳».

ج) اگر از نقطه D به دیواره هر صفا نقطه چینی ترسیم کنیم، محل تلاقی آن با خط زمین فواصل واقعی صفاها را نشان می‌دهد.

د) ارتفاع واقعی صفا نیز عبارت از فاصله قائم اتصال خط کف و آسمان صفاها به نقطه گریز در روی خط زمین است که با CB مشخص شده است.

۱۴. با توجه به اینکه عکس مورد تحلیل اطلاعاتی از صفاهای سمت راست تصویر نمی‌دهد، استفاده از تصویری دیگری لازم آمد. در «ت ۱۷»، که ظاهراً بدرقه کاروان حجاج را در دهه دوم قرن حاضر نشان می‌دهد، گرچه صفاهای کاروانسرا تخریب شده، صفاهای مقابل آن به خوبی قابل تشخیص است.

۱۵. مراحل فوق را بار دیگر روی تصویر پیاده می‌کنیم «ت ۱۵».

۱۶. تفاوت‌هایی عمده در ترسیم صفاهای این تصویر وجود دارد:

الف) پلان این تصویر با استفاده از نرم‌افزارهای ترسیمی رایانه‌ای کشیده شده که قابلیت روش پیشنهادی را نشان می‌دهد.

ب) تصویر دو نقطه گریز دارد. نقطه گریز دوم، که با O مشخص شده، به صفا تصویر منتقل شده که همان تکیه

- ت ۹. (چپ) شیوه‌های اولیه ترسیم پرسپکتیو
 ت ۱۰. (راست) کاروانسرای امیرچقماق
 ت ۱۱. (صفحه بعد، بالا، راست) استخراج پلان میدان امیرچقماق از پرسپکتیو، ترسیم از نگارنده
 ت ۱۲. (صفحه بعد، بالا، چپ) انتقال فاصله ناظر روی خط افق، ترسیم از نگارنده
 ت ۱۳. (صفحه بعد، پایین) ترسیم نمای صفاها، ترسیم از نگارنده

است (B) و به نقطه دید ناظر (S) متصل می‌شود. آنگاه محل تلاقی خط کف دیواره کج با خط زمین را به صفا تصویر منتقل می‌کنیم (نقطه A). از نقطه A به موازات SB خطی ترسیم می‌کنیم. این خط امتداد واقعی دیوار در پلان را نشان می‌دهد.

ج) پلان صفاهای به دست آمده را به تصویر ۸ منتقل می‌کنیم (بخش ۱).

۱۷. بخش مبهم دیگری که از پلان به دست آمده مربوط به بخش ۲ است. این بخش را می‌توان در عکسی که جکسن از معبری(?) در یزد گرفته مشاهده کرد «ت ۱۶».

با توجه به شباهت بدنه سمت چپ به دو سردر تابستانه و زمستانه مسجد امیرچقماق، تردیدی نمی‌ماند که بدنه سمت راست همان بخش ۲ است.

۸. جلال‌الدین امیرچقماق در نیمه دوم قرن هشتم در شام متولد شد، و پس از آنکه به دستور شاهرخ تیموری به حکومت یزد منصوب گشت، در سال‌های ۸۱۱ و ۸۱۲ به همراه همسرش سنی فاطمه به یزد آمد. وی از جمله حاکمان مشهور و خوشنام تاریخ یزد در سده نهم هجری است که آثار و بناهای بسیاری از خود به جای نهاد، (آیتی: ۱۳۰۷: ۱۹۳).

۹. عبدالحسین آیتی، آتشکده یزدان، ص ۱۹۴.

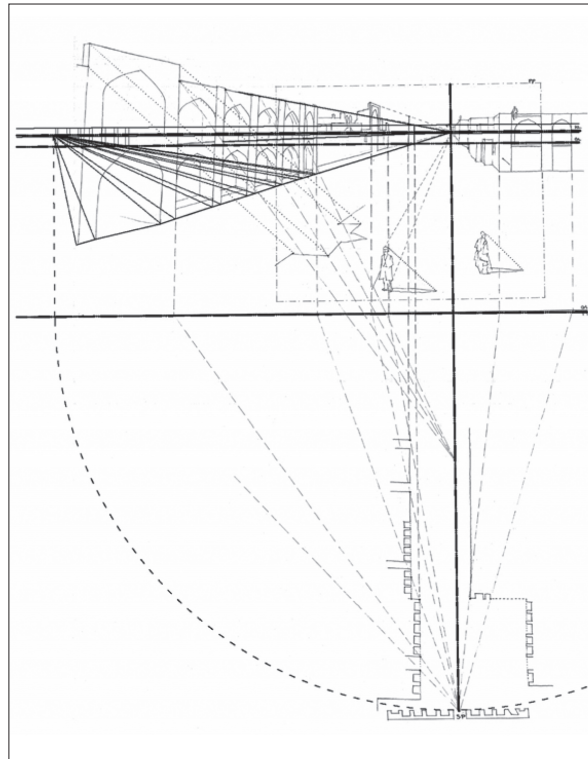
۱۰. نظام‌الدین حاجی‌قنبر جهانشاهی، که به او نویسن اعظم می‌گفتند، در اواسط قرن نهم به امر جهانشاه قره‌قویونلو فرماندار یزد شد. وی مردی مدبر و نیک‌سیرت بود و از قرار معلوم از امیرچقماق الگو می‌گرفت عبدالحسین آیتی، آتشکده یزدان، ص ۲۰۵.

۱۱. همان

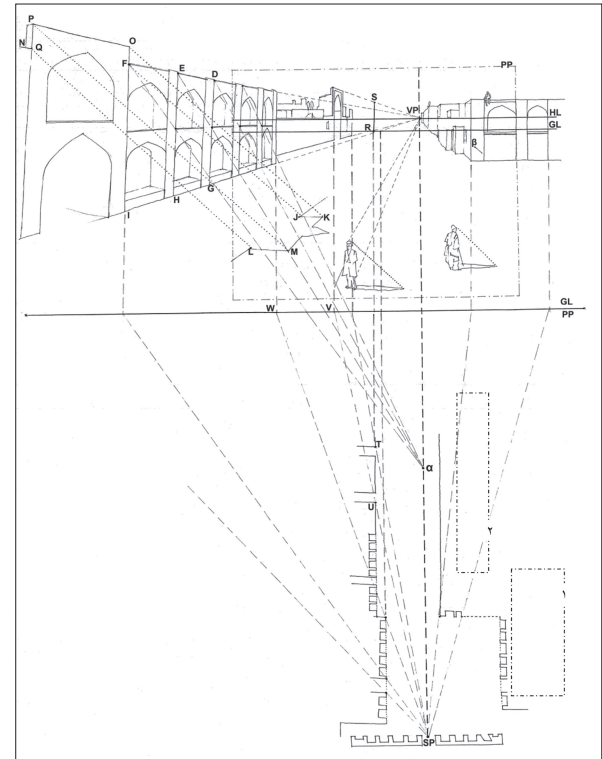
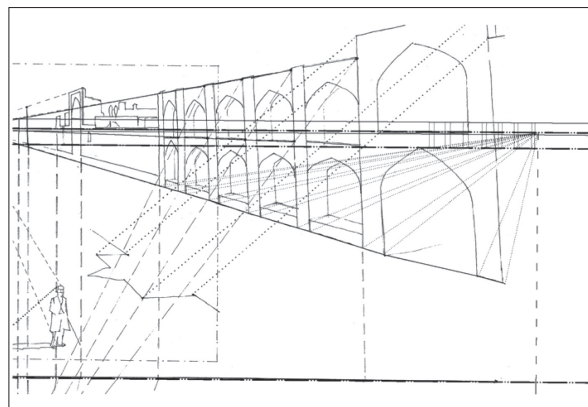
۱۲. وی بسیار مورد توجه شاه عباس بود، چنان‌که به مقام مأمور وصول مالیات و مسئول رسیدگی به امور مالی یزد تعیین شد.

۱۳. امیرچقماق در کنار مسجد جمعه نو (مسجد میرچقماق) کاروانسرای در نهایت زیبایی و شکوه ساخت و در آن سی ونه حجره بنا کرد که در آن تجار بسیاری به کسب و تجارت مشغول بودند و میان حیاط کاروانسرا حوض وسیعی از جنس مرمر احداث کرد که به مرور زمان ویران شد، (آیتی: ۱۳۰۷).

۱۴. مستوفی بافتی، جامع مفیدی، به کوشش ایرج افشار، ص ۱۷۲.



مرمت و بازسازی شد. از جمله وی کاروانسرای در مکان قبلی کاروانسرای امیرچقماق^{۱۳} احداث کرد و آن را کاروانسرای خان شمس یوسف نام نهاد.^{۱۴} بعد از بهادرخان تا سده سیزدهم



ب) تحول تاریخی مجموعه امیرچقماق

میدان امیرچقماق اثری از قرن نهم هجری و یادگاری از حکومت امیرچقماق شامی^۸ است. این میدان در شمال مسجد مهمی به نام مسجد جامع نو احداث شد که امروزه به مسجد میرچقماق مشهور است. مسجد امیرچقماق نیز به همت امیرچقماق و طی ۲۰ سال احداث شد و در سال ۸۴۱ هـ اتمام یافت.^۹ در سال ۸۶۱ هـ حاجی‌قنبر جهانشاهی^{۱۰}، در کنار میدان، بازار و کاروانسرای ساخت که بازار آن به بازار حاجی‌قنبر معروف است.^{۱۱} بخش‌هایی از بناهای احداث‌شده در میدان امیرچقماق تا قرن یازدهم رو به زوال و ویرانی نهاد تا آنکه در دوره صفوی به دستور بهادرخان شمس یوسف میبیدی^{۱۲} بعضی از بناهای مخروب‌های که روزگاری به دست میرچقماق و سنی فاطمه بنا شده بود،



ت ۱۴. میدان امیرچقماق، مأخذ: موزه وزیری
 ت ۱۵. (صفحه بعد، راست، بالا) جداره شمالی میدان، ترسیم از نگارنده
 ت ۱۶. (صفحه بعد، راست، پایین) معبر مقابل مسجد امیرچقماق
 مأخذ: آبراهم جکسن و و. ویلیامز، سفرنامه جکسن (ایران در گذشته و حال)
 ت ۱۷. (صفحه بعد، وسط، بالا) وضع اولیه مناره‌های تکیه امیرچقماق، مأخذ: ایرج افشار، یزدنامه.

۱۵. عبدالحسین آیتی ۱۳۰۷: ۲۰۱
 ۱۶. عبدالحسین آیتی ۱۳۰۷: ۲۰۱
 ۱۷. ایرج افشار، یادگارهای یزد، ص ۷۰۸.
 ۱۸. عبدالحسین آیتی ۱۳۰۷: ۲۰۱
 ۱۹. نام این خیابان پس از پیروزی انقلاب اسلامی به خیابان امام خمینی تغییر کرد.
 ۲۰. نام این میدان پس از پیروزی انقلاب اسلامی به میدان شهید بهشتی تغییر کرد.
 ۲۱. وحید وحدت، «تأملی بر شهرسازی دوره پهلوی اول: مطالعه موردی شهر یزد»، ص ۱۷.
 ۲۲. در این خصوص عبدالحسین آیتی در ۱۳۱۷ می‌نویسد: «در این عصر ترقی... که امور یزد و ایران تغییر کرده و رو به تقدم می‌رود، ساختمان تازه میدان و خیابان و باغچه گلکاری وسط میدان با حوض جدیدالاحداث مزید بر رونق آن کوی و محله شده»، عبدالحسین آیتی، آتشکده یزدان، ص ۲۰۵.

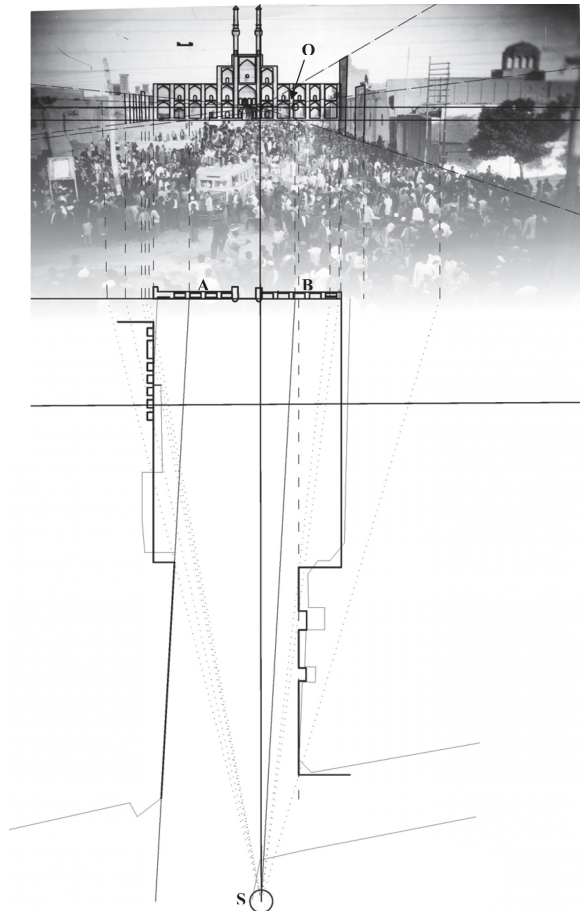
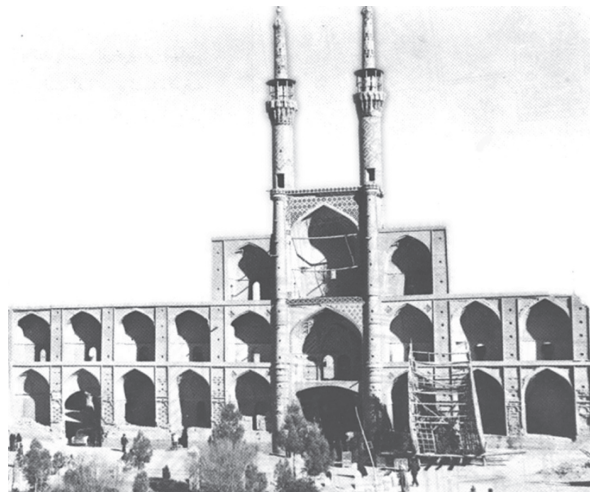
دارایی تا فلکه پهلوی^{۲۰} در سال ۱۳۱۴،^{۲۱} گرچه ضلع شمالی میدان — که ارتباطدهنده میدان با ورودی بازار بود و وضعیتی نابسامان داشت — و کاروانسرای امیرچقماق تخریب شدند، میدان به وضعیتی شکیل سوق یافت که عمده پژوهشگران آن را، به خیال آنکه پیش از تخریبات رضاخانی وجود داشته است، می‌ستایند؛ غافل از اینکه این پلان همگون در ازای تخریب صفه‌های شمالی کاروانسرا و تعریض معبر مقابل مسجد و اتفاقاً به دست رضاخان حاصل آمده است.^{۲۲} تصویر یک میدان وسیع هندسی و کامل، که امروزه نیز در مقام مرجع نادرست بازسازی به دست میراث فرهنگی قرار گرفته، تا زمان احداث خیابان شاه^{۲۳} از میدان امیرچقماق تا میدان شاه‌طهماسب در سال ۱۳۲۲

هجری این مجموعه هم رو به ویرانی نهاد، تا، به باور آیتی،^{۲۵} در اوایل سده سیزدهم هجری حاج‌ابوالقاسم رشتی میدان جلو مسجد و سردر بازار را تبدیل به تکیه کرد.^{۲۶} البته با توجه به مندرجات لوح سنگی داخل غرفه وسط بنا می‌توان در این ادعا تردید کرد، زیرا بر اساس متن این کتیبه، در سال ۱۲۹۶ استاد محمدحسین، فرزند مرحوم استاد باقر بنا، و استاد محمدحسین، فرزند مرحوم زین‌العابدین کرمانی، و استاد عبدالخالق شمعی تکیه مزبور را بنا کرده‌اند.^{۲۷} بعدها در زمان مشروطه به همت استاد محمد بنا به ارتفاع مناره‌های تکیه افزوده می‌شود.^{۲۸} در هنگامه مدرنیزاسیون اقتدارگرایی پهلوی اول، تغییرات بنیادینی در میدان صورت گرفت. با احداث نیمه دوم خیابان پهلوی^{۲۹} از



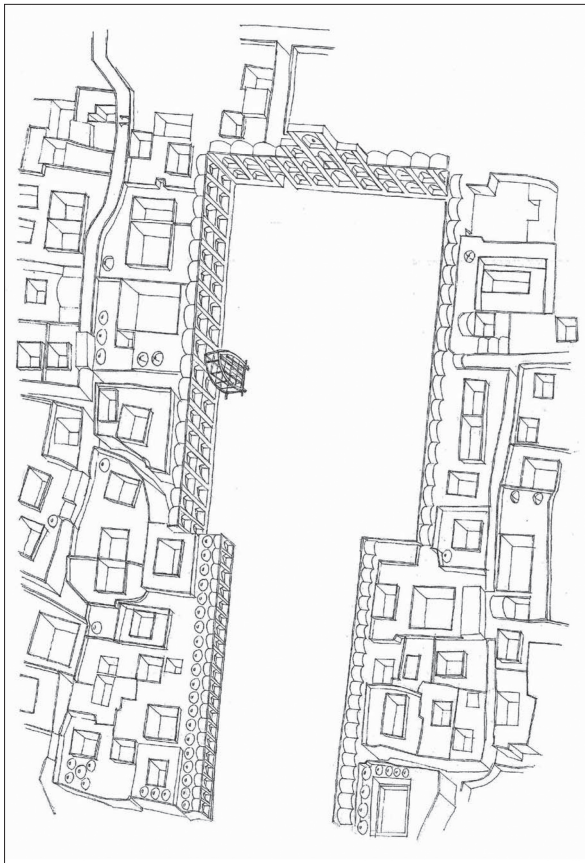
ت ۱۸. (وسط، پایین) تکیه امیرچقماق و چشمه آخر آن با طاق فروریخته. در این تصویر می‌توان وضعیت دوصفقه انتهایی راه، پیش از پُر شدن، مشاهده کرد. مأخذ: حسین سلطانزاده، فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران، ص ۱۲۷

ت ۱۹. (بالا) فروریختگی طاق صفه آخر تکیه در عکس هوایی سال ۱۳۳۵ نیز قابل تشخیص است.



کامل می‌شود. اما تخریب این میدان مربوط به احداث خیابان ثریا^{۳۳} در پشت تکیه امیرچقماق به طرف شرق در سال ۱۳۲۵ نیست^{۲۵} و به سال‌های آخر دهه ۳۰ می‌رسد. بدین ترتیب با اتصال خیابان ثریا به خیابان شاه از میدان فلکه شده چیزی جز تکیه بر جای نمی‌ماند. گرچه به منظور ایجاد ارتباط مستقیم میان خیابان شاه و خیابان ثریا، در سال ۱۳۳۷، تخریب تکیه نیز جزو برنامه شهرداری وقت قرار داشته، و شهرداری برای توجیه عمل خود ریزش یکی از طاق‌های صفه‌ها «ت ۱۸ و ۱۹» و خطر فروریختن مناره‌ها را مطرح می‌کند، سرانجام اداره

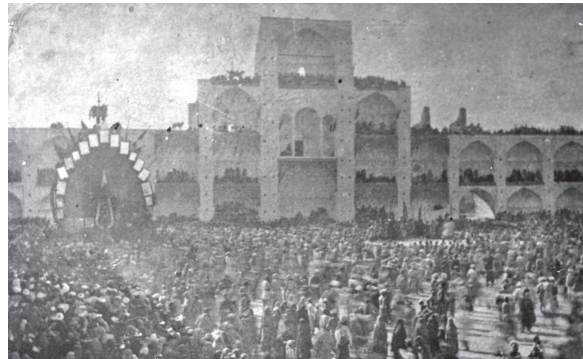
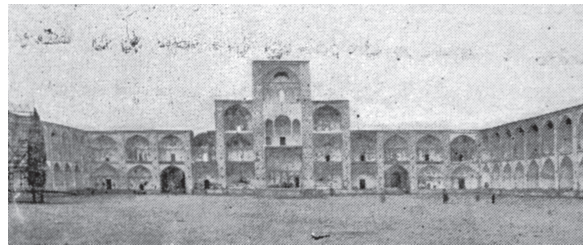




تکیه شاهطهماسب

الف) شکل میدان

گرچه، به باور مهندس توسلی، میدان شاهطهماسب فاقد تکیه بوده «ت ۲»، با به دست آمدن اسناد تصویری و نوشتاری دیگر پی به وجود این تکیه می‌بریم:
دکتر گلشن درخودزینامه‌اش، آنجا که به توصیف حسینی‌ها می‌پردازد، حسینی‌هایی را کامل می‌خواند که دارای تکیه باشد. او تکیه را ساختمانی غرفه‌غرفه می‌انگارد که اغلب



باستان‌شناسی به همت آندره گذار^{۲۶} مقاومت می‌کند و ضلع شرقی تکیه باقی می‌ماند. مرمت طاق فروریخته نیز به استناد گزارش روزنامه کیهان^{۲۷} به سال ۱۳۴۲ بازمی‌گردد. بدین ترتیب، با کور کردن چشمه‌های انتهای تکیه، از خطر رانش و ریزش مناره‌ها نیز جلوگیری به عمل می‌آید. مرمت تکیه امیرچقماق را حاج علی‌اکبر خرمی^{۲۸} انجام می‌دهد. در دوره اخیر نیز این میدان تغییراتی بسیار به خود دید، اما غالباً این تغییرات حول محور الزامات ترافیکی یا مداخلات جزئی از نوع زیباسازی بوده است. تا اینکه در سال ۱۳۸۰، سازمان میراث فرهنگی طرح سامان‌دهی میدان امیرچقماق را به اجرا گذاشت. این طرح، که اساسش پایان‌نامه یکی از مسئولان میراث فرهنگی استان یزد بود، به تاریخ مشکوک منتسب بدان ارجاع دارد که گرچه میدان را از نظر کیفی ارتقاء می‌دهد، نمی‌توان عنوان «بازسازی» بر آن نهاد.

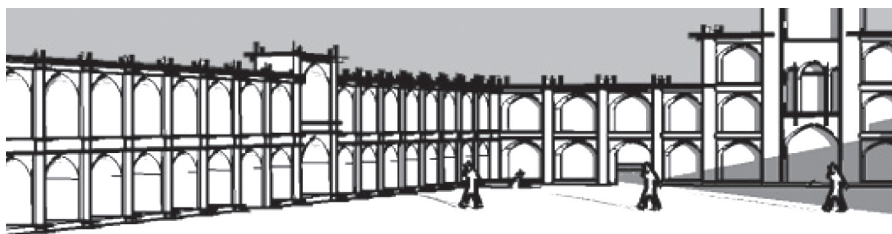
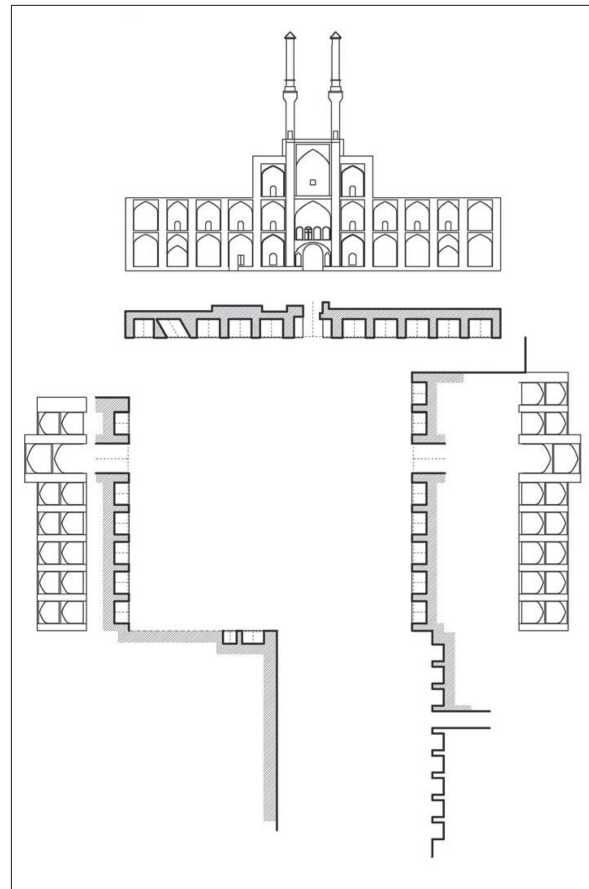
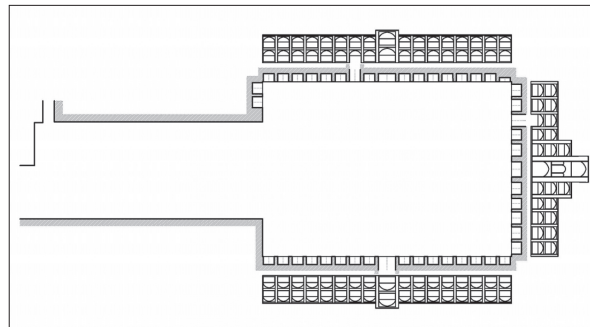
ت ۲۰. (راست، بالا) تکیه میدان شاه، مأخذ: عبدالحسین آیتی، آتشکده یزدان.

ت ۲۱. (راست، پایین) تکیه میدان شاه، مأخذ: موزه وزیری
ت ۲۲. (چپ) وضعیت اولیه میدان شاه، ترسیم از نگارنده

۲۴. نام این خیابان پس از پیروزی انقلاب اسلامی به خیابان سلمان فارسی تغییر کرد.
۲۵. نک: اکبر قلمسیاه، تاریخ سال‌شماری یزد، نشر گردآورنده، ۱۳۷۰.

۲۶. وی رسماً استواری سازه‌ای بنا را تضمین می‌کند: «اینجانب آندره گذار به تاریخ پنجم ژوئن ۱۹۵۸ برای بازدید بنای موسوم به مناره‌های امیرچقماق جهت رسیدگی به این موضوع که آیا وجود آن برای اهالی خطرناک می‌باشد یا نه از این بنا دیدن کردم. اینجانب اعلام می‌دارم که این بنا احتیاج به ترمیم دارد و مخارج آن از طرف اداره باستان‌شناسی پرداخت خواهد شد؛ ولی بنای مزبور هیچ خرابی را تهدید نمی‌کند و ابداً دارای خطر عمومی نیست»، نک: محمدحسن امین‌الضرب، یزد در اسناد امین‌الضرب، به کوشش اصغر مهدوی و ایرج افشار، طلایه، ۱۳۸۰.
۲۷. «دو تا مناره در وسط یکی از خیابان‌های مرکزی و در میدان امیرچقماق وجود دارد که در عین بی‌قوارگی خطر فروریختن آن نیز می‌رود... فعلاً بر سر این دو مناره بین شهرداری و مردم از یک طرف و فرهنگ و اداره باستان‌شناسی از طرف دیگر دعوا و اختلاف است. اداره باستان‌شناسی عمارت و مناره‌های

ت ۲۳. (راست) میدان امیرچقماق،
ترسیم از نگارنده
ت ۲۴. (چپ) میدان شاه، ترسیم
از نگارنده



امیرچقماق را جزو آثار قدیمی می‌داند و در حفظ و مرمت آن می‌کوشد و هم‌اکنون معماران و بناها مشغول تعمیر پایه‌های امیرچقماق هستند». روزنامه کیهان، ۱۷ تیر ۱۳۴۲ (قلمسیاه ۱۳۷۳:۲۶۳).

۲۸. از مهم‌ترین فعالیت‌های علی‌اکبر خرمی (متوفا به سال ۱۳۷۸ هجری شمسی) همکاری در ساخت کارخانه درخشان، مسجد برخوردار، مسجد شاه-طهماسب، دبیرستان ایرانشهر، ساخت آبنبار چهاربادگیری رستم گیو، ساخت هشتی بناهای امامزاده عبدالله بافق و باغ دولت‌آباد، بازسازی

ب) تحول تاریخی میدان شاه

در قرن نهم، در محل فعلی میدان، دولتخانه و حمامی به اهتمام سیدغیاث‌الدین بن شهاب‌الدین الحسینی، که از اعیان شهر بود، احداث شد.^{۳۱}

شاه‌طهماسب، در اواخر هزاره اول، حاکمی برای یزد گماشت به نام نعمت‌الله باقی. وی چون به مسند حکومت نشست، مجموع‌های احداث کرد شامل دیوانخانه‌ای به نام عباسیه و کاخی و مسجدی به نام شاه‌طهماسب.^{۳۲} این ساختمان بعدها به غیاث‌الدین میرمیران، که کلاتر یزد بود، رسید. وی در کنار

مناره نیز دارد. او در بیان نمونه‌هایی از تکایا، افزون بر تکیه‌های امیرچقماق و ابوالعالی، از تکیه میدان شاه نیز نام می‌برد.^{۳۹}

این اشاره را در خاطرات حسین بشارت نیز می‌توان یافت:

«میدان شاه سابق، و میدان بعثت فعلی، به طور کلی از شکل و هیئت قدیم خود افتاد. این میدان را از چهار طرف صفا-هایی احاطه کرده بود: جبهه غربی آن صفا‌های چهارطبقه [داشت] و دارای کاشیکاری زیبایی بود».^{۴۰}

افشار، ایرج، یادگارهای یزد، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۴.
 افشار، ایرج، یزدنامه، ج ۱، ۱۳۷۱.

امین‌الضرب، محمدحسن، یزد در اسناد امین‌الضرب، به کوشش اصغر مهدوی و ایرج افشار، طلایه، ۱۳۸۰.

بشارت، حسین، یزد شهر من، طلایه، ۱۳۸۵.

توسلی، محمود، اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران، ج ۱، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، ۱۳۶۵.

توسلی، محمود، ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران، پیام و پیوند نو، ۱۳۸۱.

جکسن، آبراهم و و. ویلیامز، سفرنامه جکسن (ایران در گذشته و حال)، ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدرهای، خوارزمی، ۱۳۵۲.

ریچاردز، فرد، سفرنامه ریچاردز، ترجمه مهیندخت صبا، نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۳.

سلطانزاده، حسین، فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۰.

قلم‌سیاه، اکبر، تاریخ سال‌شماری یزد، نشر گردآورنده، ۱۳۷۰.

قلم‌سیاه، اکبر، یزد در سفرنامه‌ها، چاپ دوم، سبز رویش، یزد، ۱۳۷۵.

گلشن، جلال، یزد دیروز: آداب، سنن و رخدادهای ۱۳۰۴-۱۳۸۴ ه.ش، صحیفه خرد، قم، ۱۳۸۴.

مستوفی بافقی، جامع مفیدی، به کوشش ایرج افشار، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۲.

مستغنی، علیرضا، طرح ساماندهی میدان بعثت، شهرداری یزد، چاپ‌نشده، ۱۳۷۷.

وحدت، وحید، «تأملی بر شهرسازی دوره پهلوی اول: مطالعه موردی شهر یزد»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۱، پاییز ۱۳۸۶.

Malcolm, Nepeir. *Five years in a Persian Town*. New York: E.P. Dutton, 1907.

این عمارت جلوخان و میدانی بنا کرد که بعد از احداث میدان شاه به میدان قدیم شهره شد.^{۳۳} بعدها در زمان زندیه، حاکم وقت یزد محمدتقی‌خان بافقی (۱۱۲۹-۱۲۱۳)، در مقابل این میدان، میدانی وسیع بنا کرد که میدان شاه نام گرفت. پس از او فرزند ارشدش، علینقی‌خان (۱۲۱۴-۱۲۱۹)، قسمت پایین میدان را گسترش داد.^{۳۴} میدان شاه از آن به بعد دیگر تغییر عمده‌ای به خود ندید تا مداخلات رضاخانی و ادامه آن در زمان پهلوی دوم. در آن زمان با احداث خیابان شاه، از میدان امیرچخماق تا میدان شاه در سال ۱۳۲۲، ضلع شرقی میدان با تغییراتی جدی مواجه شد که تخریب ورودی میدان و احداث دکان‌هایی در امتداد خیابان و گشودگی ابتدای میدان از آن جمله بود. احداث خیابان امیرآباد در سال ۱۳۴۱ در حکم ضربه نهایی به میدان بود که منجر به تخریب تکیه شد. در سال‌های ۱۳۴۸ و ۱۳۵۲ با احداث خیابان‌های شاه‌رضا^{۳۵} و سیدگل سرخ روند تقلیل میدان به فلکه تکمیل شد^{۳۶} و بدین ترتیب از میدانی بالارزش، که روزگاری عرصه تظاهرات اجتماعی بود، جز چند گوشه باقی نماند. پس از انقلاب، مهم‌ترین برنامه‌ریزی برای میدان طرح سامان‌دهی میدان بعثت در سال ۱۳۷۷ بود که شهرداری متولی آن بود.^{۳۷}

نتیجه‌گیری

روشی که در این مقاله عنوان شد، امکان تحلیل علمی اسناد تصویری را برای دستیابی به پلان‌ها و نمای فضاهای معماری و شهری فراهم می‌آورد. حتی می‌توان از این روش برای رولوه دقیق فضاها با استفاده از عکاسی بهره برد.

در کنار همه این‌ها، این مقاله واقعیت‌هایی شکلی از غنی‌ترین فضاهای شهری ایران را هویدا می‌کند که محل تدقیق بسیاری از متخصصان بوده است، بلکه محملی شود بر تحلیل‌های محتوایی بعدی.

کتاب‌نامه

آینی، عبدالحسین، آتشکده یزدان، گلبهار، یزد، ۱۳۱۷.

و مرمت مسجد سرچم، مدرسه ضیاییه، بقعه سیدشمس‌الدین، مسجد جامع یزد، مسجد شیخ شهاب‌الدین یزد، تکیه امیرچخماق، شبستان و رواق مسجد ملااسماعیل، رباط زین‌الدین در جاده یزد-کرمان، یادگیر باغ دولت‌آباد، چهارسوق بازار خان یزد و ... بوده است.

۲۹. جلال گلشن، یزد دیروز: آداب، سنن و رخدادهای ۱۳۰۴-۱۳۸۴ ه.ش، ص ۲۴۱.

۳۰. حسین بشارت، یزد شهر من، ص ۵۱.

۳۱. ایرج افشار، یادگارهای یزد، ص ۷۰۳.

۳۲. عبدالحسین آینی، آتشکده یزدان، ص ۲۳۶، ۳۳. ایرج افشار، یادگارهای یزد، ص ۷۰۳.

۳۴. همان، ص ۳۷۴.

۳۵. نام این خیابان پس از پیروزی انقلاب اسلامی به بلوار امامزاده جعفر تغییر کرد.

۳۶. نک: اکبر قلمسیاه، تاریخ سال‌شماری یزد، نشر گردآورنده، ۱۳۷۰.

۳۷. نک: علیرضا مستغنی، طرح ساماندهی میدان بعثت، شهرداری یزد، چاپ‌نشده، ۱۳۷۷.